

دکتر فائزه زهرا میرزا*

استادیار بخش فارسی
دانشگاه کراچی

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸

(صص: ۱۵۸-۱۳۵)

سهم تذکره نویسان سند در ترویج زبان و ادب فارسی

چکیده

سرزمین سند از آغاز حکومت خاندان سومرا (از قرن ۱۱ تا ۱۳ م) تا حکومت انگلیسی ها (۱۸۴۳ تا ۱۹۴۷ م) سهم بسزایی در ترویج زبان و ادب فارسی داشته است و در طول این دوران کتاب های فارسی ارزنده ای در سند به رشته تحریر درآمده که علاوه بر شعر و ادب و تاریخ، شامل تذکره نویسی فارسی نیز می شود. در این مقاله به اختصار به معرفی برخی از تذکره نویسان سند پرداخته خواهد شد که در جهت احیای زبان و ادب فارسی خدمات شایانی را ارائه داده اند و احوال و آثار شعرا، نویسندگان، عرفا و بزرگان دین را با تحمل زحمات بسیار به ثبت رسانده اند و برای ما اطلاعات وافری را فراهم ساخته اند.

کلید واژه ها: سند، تذکره نویسی، فارسی، شرح حال

مقدمه

تذکره در مفهوم مصطلح آن در فارسی به کتاب هایی گفته می شود که شرح حال و آثار شاعران، نویسندگان، صوفیان، عالمان، خوش نویسان، نقاشان و غیره باشد. نخستین بار لفظ «تذکره» را فرید الدین عطار نیشابوری برای کتابش تحت عنوان تذکره الاولیا به کار برد. بعد از آن این لفظ رواج پیدا کرد و کتاب دولتشاه سمرقندی نیز به نام تذکره الشعرا (تألیف

* Email: Faizeh51214@yahoo.com

۸۹۲.ق) معروف شد. کتاب هایی که درباره ی شرح احوال و آثار شاعران فارسی قبل از عام شدن اصطلاح تذکره نوشته شده بودند نیز با همین لفظ نامیده شدند مانند تذکره لُبَابُ الالباب تألیف سدیدالدین محمدعوفی در سال ۶۱۸/۱۲۲۰م. (تقوی، ۲۰۰۰:۱۲)

سرزمین سند از زمان حکومت خاندان سومرا (از قرن ۱۱ تا ۱۳م) تا زمان حکومت انگلیسی ها (۱۸۴۳م تا ۱۹۴۷م) سهم به سزایی در ترویج زبان و ادب فارسی داشته است. بسیاری از کتاب های نغز فارسی اعم از نثر و نظم در این منطقه نوشته شده اند که رواج



شایان زبان فارسی را در سند نشان می دهد مانند چچ نامه تألیف علی بن حامد کوفی (۶۱۳هـ/۱۲۱۶م). تاریخ معصومی تألیف میر محمد معصوم شاه بکهری (۹۹۱هـ-۱۵۸۳م). ترخان نامه یا ارغون نامه تألیف سیدجمال بن میرجلال الدین حسینی شیرازی (۱۰۶۵هـ)، بیگلرنامه تألیف شاه قاسم بن امیرسیدقاسم بیگلر (۱۰۳۵هـ). تحفه الکرام تألیف میرعلی شیر قانع تتوی در سال (۱۱۸۷هـ/۱۷۷۸م) و غیره.

علاوه بر تاریخ نویسی و سرایش شعر به زبان فارسی تذکره نویسی نیز در اواخر قرن دهم در سند رواج داشته است. (توسلی، ۱۳۸۶ش: ۱۲۷) در آن عصر شهر تنه بزرگترین مرکز علمی بود و تذکره نویسی نیز از همین شهر شیوع و گسترش یافت و گواه آن وجود تذکره های فراوانی است که به رغم فراز و فرود روزگاران و تطاول ایام از حوادث دهر مصون مانده و به آیندگان رسیده است. علاوه بر آن سنت همچنان ادامه داشته و در روزگار ما نیز تذکره های فراوانی درباره ی مشایخ صوفیه نوشته شده است و برخی دیگر نیز در دست تحریراند از آن جمله:

۱- علامه قاضی محمود تتوی: علامه قاضی محمود تتوی از اعلم العلمای تنه بود. (تتوی، ۱۹۷۱: ۳۷۱) وی از خاندان عباسی و هم عصر میرزا احمد باقی ترخان (از

۹۲۲هـ تا ۹۷۳هـ) و مفتی عصر خود بود (وفایی، ۱۹۸۵: ج ۳: ۳۲) درباره ی تاریخ دقیق ولادت و وفات این دانشمند بزرگ اطلاعاتی در دست نیست.

از کتاب تذکره ی مشاهیر سند معلوم می گردد که علامه محمود ابتدا نزد بزرگان خاندان خود که در تته سکنی گزیده بودند تحصیل و تلمذ نمود و بعد از آن شاگرد مولانا عبدالخالق گیلانی شد. قاضی محمود به علت ظلم و تعدی میرزا رستم که حاکم قندهار بود و بعداً به ایالت تته منصوب گردید؛ با خانواده اش به بهکی آمد و همان جا اقامت گزید. (تتوی، ۱۹۷۱: ۳۸۸: ۳۲)

ارزنده ترین کار علمی قاضی محمود کتابی ست به نام «تذکره الاولیا» که وی آن را در سال ۹۸۰ ه.ق تألیف نمود. (عبدالقادر تتوی، ۱۹۶۷: ۲) این نخستین تذکره اولیای سند و قدیم ترین تذکره ی فارسی می باشد ولی متأسفانه اکنون در دست نیست.

علاوه بر تألیف تذکره الاولیا، قاضی محمود تتوی در نوشتن شرح و حواشی کتابهای درسی نیز معروف بوده است - حاشیه ی متین (نحو) و حاشیه ی زبده ی منطق از کارهای علمی وی است. (وفایی، ۱۹۸۵: ج ۳: ۳۲-۳۳) میرعلی شیر قانع در مقالات الشعرا درباره ی قاضی محمود علامه تتوی چنین می نویسد: «بزرگی شأنش و جامعیت علوم از تصانیف وی در هر علم بتخصیص حواشی کتب درس ظاهراست». (قانع تتوی، ۱۹۵۷: ۷۴۱)

قاضی محمود تتوی علاوه بر نثر در سرودن شعر نیز دست داشت و در مقالات الشعرا یک بیت از وی به یادگار مانده است:

پیش لطف ایزدی تحصیل حاصل سعی ماست امی را چون کند از علم خود صاحب کتاب
(همان پیشین: ۷۴۲)

۲- سید عبدالقادر ابن سید هاشم: سید عبدالقادر فرزند سید هاشم از سادات تته بود- درباره ی این تذکره نویس و دانشمند سرزمین سند هم اطلاعی در دست نیست- اما از منابع موجود مانند مقالات الشعرا و تاریخ تحفه الکرام تألیف میرعلی شیر قانع تتوی معلوم می گردد که سید هاشم پدر سید عبدالقادر از معاصران میرزا جانی بیگ ترخان

(وفات: ۱۰۰۸هـ / ۱۵۹۹م) (۲۴: ۱۹۸۷ و sada) بود و وی در ستایش میرزای مذکور قصایدی غراً سروده است.

هم چنین کتابی به نام «سیرالسلطین» از وی به یادگار مانده است که آن را به میزرا جانی بیگ تقدیم کرده است - این کتاب از آسیب روزگار مصون نماند و اکنون در دست نیست. سید عبدالقادر نیز مانند پدر خود شاعر و نثرنویس بود. «تذکره ی حدیقه الاولیا» وی که در سال ۱۰۱۶هـ ق تألیف شد دومین تذکره درباره عرفای سند است. وی در پایان این تذکره، شعری سروده است که تاریخ اتمام آن را بیان می کند:

رسید این نامه در حد تناهی ز هجرت بود الف و شانزده سال

(عبدالقادر تتوی، ۱۹۶۷: ۷۴)

سید عبدالقادر اشعاری از خود در لابه لای متن تذکره آورده است که به طور نمونه اشعار باقی مانده از وی است. وی با درویش رکن الدین و مخدوم نوح هالایی نیز مصاحبت و هم نشینی داشته و ذکر آن ها را در تذکره ی خود آورده است.



۳- محمدرضا بن عبدالواسع: معروف

به میردریایی مؤلف «بیان العارفين و تنبيه الغافلین» است وی این تذکره را در ماه رجب ۱۰۳۸ هـ ق/ ۱۶۲۹م تألیف نمود. در بیان العارفين شرح احوال شاه کریم جد بزرگوار شاه عبدالطیف بهتایی ست، ملفوظات او را و

تذکره ی مشایخ آن عصر ذکر شده است - این تذکره دارای یک مقدمه، هفت باب و یازده فصل است - شاعری به نام عبدالرحمن این تذکره را به زبان سندی ترجمه کرده است (همان: ۲۸) و آن نسخه به دست سید غلام شاه ابن سید احمد شاه در تاریخ ۴ ربیع الاول ۱۲۴۴هـ ق کتابت شده است (همان: ۲۶) این تذکره به زبان فارسی بوده و دکتر عبدالغفار سومرو آن را به سندی ترجمه کرده و این ترجمه با همکاری اوقاف و انجمن اشاعت علامه قاضی در سال ۱۴۲۲هـ ق/ ۲۰۰۲م در حیدرآباد سند به چاپ رسید.

۴- حاجی پهنور: حاجی پهنور مؤلف تذکره ی «دلیل الذاکرین» است- وی این تذکره را در سال ۱۱۰۶ه.ق در عصر مخدوم محمد زمان اول (۱۰۵۰ه- ۱۱۱۷ه) تألیف نمود- این تذکره دارای چهار باب است؛ باب اول در ذکر بزرگان خاندان ها و سه باب دیگر در ذکر احوال مخدوم نوح و مشایخ عصر وی می باشد. از این تذکره اوضاع سیاسی و اجتماعی و تاریخی سند به خوبی معلوم می گردد. همچنین اطلاعاتی درباره ی زندگی شخصی بزرگان سند، مکان ها و مساجد آن نیز در تذکره آمده است. (همان: ۱۵-۱۶)

۵- ملا محمد صالح ابن ذکر یا تتوی: درباره ی این تذکره نویس اطلاعات زیادی در دست نیست. اسم کامل تذکره ی این مؤلف «معارف الانوار فی بیان فضایل سیدالابرار و ائمه ی اطهار و بیان احوال قطب المختار» است. (همان: ۵) این تذکره دوازده باب دارد؛ پنج باب آخر در ذکر سید مراد می باشد و باب ششم درباره ی سادات موسوی شیرازی انجوی است. (همان: ۶)

۶- شیخ محمد اعظم بن محمد شفیع تتوی: شیخ محمد اعظم فرزند محمد شفیع بن عبدالسلام از علما و تذکره نویسان تته است. اگرچه درباره ی زندگی این مرد دانشمند، عالم و شاعر اطلاع زیادی در دست نمی باشد اما حدس می زنیم که وی چون اهل تته بوده در همان شهر کسب علم و تصوف نموده و از آثار وی زبان دانی و مهارت وی در علوم مختلف معلوم می گردد. وی در زبان فارسی تبحر خاصی داشت چنان که از «تذکره ی تحفه الطاهرین» و «هیئت العالم» مشخص می شود. (محمداعظم تتوی، بی تا: ه)

عصر شیخ محمداعظم به پایان عهد کلهورا و آغاز دولت تالپور می رسد که از لحاظ ترویج زبان و ادب فارسی عهد زرین نامیده می شود. شیخ محمد اعظم مدتی در شهر سورت سکونت اختیار نمود و آن جا جزو مریدان مولانا خیرالدین نقشبندی گردید و بر دست وی بیعت کرد و منازل سلوک را طی کرده به تته برگشت. (همان: و)

شیخ محمداعظم شاعری برجسته بود و اشعاری در کتاب هیئت العالم از او به یادگار مانده است. از این اشعار معلوم می گردد که وی اشعاری در ستایش میر سهراب خان

تالپور نیز سروده است، در اینجا چند بیت از حمد باری تعالی از دیباچه ی کتاب هیئت العالم نقل می شود:

خداوندی که عالم آفریده	به قدرت روح در آدم دمیده
بساط خاک را خوش گسترانید	به هر مؤر و ملخ روزی رسانید
به حکم اوست هر بالا و هر پست	به ذکر اوست هر مستور و هر مست
تعالی الله چه نیکو کردگار است	که نعمتهاش بیرون از شمار است

(همان: ید)

اگرچه شیخ محمداعظم مصنف کتاب های فراوانی بود اما از وی فقط دو جلد کتاب باقی مانده است به نام «هیأت العالم» و «تحفه الطاهرین».

هیأت العالم: از نام کتاب پیدا است که این کتاب درباره ی جغرافیای عالم است و



مؤلف، این کتاب را به نام رئیس خیرپور میرسهراب خان تالپور نوشته است و از کتاب های فراوان به عنوان مأخذ استفاده نموده است، مانند تشریح الممالک، مقیاس الارض، سفینه البلاد، مسالک و الممالک، هفت اقلیم، مجمع النوادر، جامع التواریخ صورالاقالیم، عجائب

البلدان و تاریخ جهان نما و ... (محمداعظم تتوی: بط)

تذکره ی تحفه الطاهرین: مؤلف، این تذکره را در سال ۱۱۹۴هـ تألیف نمود. (همان:

یو) این تذکره درباره ی اکابر عرفا می باشد که در گورستان تته و مکللی دفن شده اند. سال تألیف کتاب از اسم کتاب معلوم می گردد. مصحح کتاب بدر عالم درانی مادّه تاریخ این کتاب را این گونه سروده است:

شکر لگه که یافت زیب رقم	نسخه ی دل پذیر و معدن هوش
سسال اتمام و نام میمونش	«تحفه الطاهرین» بگفت سروش (همان: یو)

در این تذکره، مؤلف ذکر بزرگان را با محل سکونت آن‌ها مطابقت داده است و برای هر بخش یک باب جداگانه آورده است. با خواندن تذکره ی بزرگان تته می توان درباره ی مکان‌ها، بازارها، محله‌ها و حتی شاهراه‌ها و کوچه‌های قدیم اطلاعاتی به دست آورد. این تذکره به تصحیح و تحشیه ی بدر عالم درآنی از طرف انجمن ادبی سند (سندی ادبی بورد) منتشر گردیده است.

۷- میرعلی شیرقانع تتوی: میرغلام علی شیر متخلص به «قانع» (ولادت ۱۱۴۰هـ- ۱۷۲۷م) وفات ۱۲۰۳هـ/۱۷۸۹م) فرزند میرعزت الله بود. سلسله ی نسب قانع به قاضی سیدشکرالله می رسد که به خاندان بزرگ علمی و دینی شیراز تعلق داشت و در عهد شاه بیگ ارغون در سال ۹۲۷هـ/۱۵۲۱م از شیراز به سند مهاجرت نمود و در شهر تته سکونت گزید. میرعلی شیر در تته از علمای برجسته ی عصر خود کسب علم کرد که از جمله میان نعمت‌الله، میان محمد صادق، آخوند محمد شفیع تتوی و آخوند ابوالحسن را می توان نام برد. قانع از زمان دانشجویی به شعر و سخن علاقه داشت و در سن دوازده سالگی در سال ۱۱۵۲هـ.ق شروع به شعر گفتن نمود و دیوان شعرش را که دارای هشت هزار بیت بود بنا بر قولی و به دلایلی نامعلوم به دریا افکند. در سال ۱۱۵۵هـ.ق دوباره به شاعری روی آورد گویا ملاقات با میرحیدرالدین ابوتراب متخلص به «کامل» شاگردی وی موجب این دگرگونی شده است. میرعلی شیر ابتدا «مظهری» تخلص می کرد و بعدها «قانع» تخلص نمود. او علاوه بر شعر در نثر نیز چیره دست بود. تعداد تألیفات وی در نظم و نثر ۴۲ اثر می باشد. وی در تاریخ نویسی و تذکره نویسی نیز مهارت خاصی داشت.

مهم‌ترین تذکره‌های وی عبارت‌ند از:

۱- **تذکره ی مقالات الشعرا:** این اثر یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین تذکره‌ها درباره ی شعرای فارسی‌گوی سند است که در ۱۱۷۴هـ.ق نوشته شده است. این تذکره شامل شرح احوال و آثار ۷۱۹ شاعر با نمونه‌ی از اشعارشان می باشد. به گفته ی پیر حسام‌الدین راشدی تذکره ی مقالات الشعرا اولین تذکره ی مفصل و جامع شعرای فارسی سند است. (راشدی، ج ۴ شماره ۲، ۱۹۹۷: ۱۸۷) پیر حسام‌الدین راشدی این تذکره را با

یک مقدمه‌ی تحقیقی و پر ارزش به زبان فارسی نوشته است و ۳۴ عکس و تعلیقات و حواشی مورد استفاده‌ی محققان و دانش پژوهان را فراهم آورده است. این تذکره‌ی پر ارزش و سودمند در سال ۱۹۵۷م به اهتمام انجمن ادبی سند (سندی ادبی بود) به زیور چاپ آراسته شد.

۲- **تذکره‌ی طومار سلاسل گزیده:** این تذکره نیز از میرعلی شیر قانع تتوی است. وی این تذکره را در سال ۱۲۰۲ه.ق تألیف نمود. (همان: ۱۹۲) در این تذکره سلسله‌های مشاهیر عارفان طریقت را مفصلاً بیان کرده است. این تذکره منبع مهمی درباره‌ی تصوف و



عرفان سند می باشد و همچنین اطلاعاتی مفید راجع به بیعت و مسائل مختلف تصوف از این تذکره به دست می آید. میر قانع این اثر را یک سال قبل از درگذشتش تألیف نمود. از این اثر نسخه‌ای منحصر به فرد با خط و مهر مصنف در انجمن ادبی سند (سندی ادبی بود) موجود است. (همان پیشین، همان صفحه)

۳- **شجره‌ی اطهار اهل بیت:** این تذکره درباره‌ی سادات اهل سند می باشد همچنین در آن شجره نامه‌ی سالکان طریقت و اسامی آنان ذکر شده است. این تذکره در سال ۱۲۰۲ه.ق تألیف گردیده است. (سید عبدالقادر تتوی، ۱۹۶۷: ۳)

۴- **معیار سالکان طریقت:** تذکره‌ی معیار سالکان طریقت در سده‌ی دوازدهم هجری به خامه‌ی توانای میرعلی شیر قانع تتوی نوشته شده است. روش کار میرعلی شیر در این تذکره بر مبنای سده به سده‌ی مشایخ صوفیه از آغاز تا قرن دوازدهم بوده است. مؤلف طی دوازده سده که هر کدام را یک معیار نامیده است؛ ۱۷۶۰ تن (قانع تتوی، ۲۰۰۱: ۲۶) از بزرگان عرفان را تا زمان حیات خود همراه خلاصه‌ای مفید از احوال و زندگانی آنان معرفی می کند و چنانکه اطلاع دقیقی از زمان زندگی عارف مورد نظر پیدا نکرده باشد آن را در نزدیک ترین سده‌ای که به نظرش می رسد جای می دهد. مصحح ارجمند جناب

آقای دکتر خضر نوشاهی حواشی و تعلیقات و تصحیح های این اثر را انجام داده اند. این تذکره در سال ۲۰۰۱م توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد به چاپ رسیده است.

۷- مخدوم ابراهیم خلیل: مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی فرزند مخدوم

عبدالکریم بود. وی در جمادی الاول ۱۲۴۳ه.ق/۱۸۲۷م ولادت یافت.

خلیل در ۱۷ سالگی زبان عربی و فارسی و همچنین علم صرف و نحو، اصول، منطق، ریاضی، حدیث، تفسیر، فقه، حدیث و علم مناظره را فرا گرفت. وی پرورده ی محیطی بود که همه در آن صوفی و عالم و اهل سلوک و طریقت و عرفان بودند. در شهر تته چهار خانواده وجود داشتند که مرجع اهل علم و سلوک و طریقت بودند و نه تنها در تته بلکه در سایر بلاد سند نیز نفوذ داشتند که عبارت‌اند از خانواده ی مخدوم ابوالقاسم نورالحق نقشبندی، دودمان مخدوم علامه محمد هاشم تتوی، خانواده ی میر احسن الله و میرنظر علی

و خاندان خود مخدوم خلیل که تمام افراد آن خانواده مقام بزرگی داشتند.

مخدوم خلیل پرورده ی محیط عرفانی این چهارخانواده بود. بنابراین وقتی به سن جوانی رسید صوفی ای باصفا و اهل دل و عرفان بود و در ادامه یکی از پیران طریقت گردید. وی به زبان فارسی و سنندی شعر می سرود. در شعر فارسی «خلیل» و در شعر



سنندی «آداسی» تخلص می کرد (خلیل تتوی، ۱۹۵۸: ۲۱۳) خلیل در زبان فارسی دارای دو دیوان است. یکی «دیوان مسکین» و دیگر «دیوان خلیل» که در هر کدام اشعاری را فراهم آورده که با همان تخلص سروده بود. علاوه براین دو مجموعه ی مکاتیب نیز دارد که یکی را با دیوان مسکین یک جا گردآوری کرده و آن را «کشکول مسکین» نامیده و آنچه که با دیوان خلیل در یک جا گردآوری شده «مائده ی خلیل» نامیده شده است. (همان: ۳۱-۳۰)

بزرگ‌ترین و ارزنده‌ترین اثر مخدوم ابراهیم خلیل «تذکره‌ی تکمله‌ی مقالات الشعرا» است. میرعلی شیر قانع در سال ۱۱۷۵م مقالات الشعرا را به پایان رسانید و تا عصر خود شرح حال شعرای فارسی‌گوی سند را در آن نوشت. بعد از وفات میرعلی قانع پسرش میر مایل «مجمع البلغا» را تألیف نمود ولی متأسفانه این کتاب در دست نمی‌باشد اما مخدوم خلیل احوال شعرای تا عصر خود را جمع‌آوری کرد و آن را تذکره‌ی تکمله‌ی مقالات الشعرا نامید.

تذکره‌ی تکمله‌ی مقالات الشعرا در حدود ۸-۱۳۰۷ه.ق صدوسی و سه سال بعد از مقالات الشعرا تألیف شد و حاوی شرح احوال و آثار ۸۲ تن شاعر فارسی‌گوی سند به ترتیب الفبایی می‌باشد. مؤلف شرح حال و نمونه‌ی آثار اکثر شعرا و اولیا و عرفا را بسیار مختصر آورده است اما مصحح فاضل پیرحسام الدین راشدی این کمبود و کوتاهی را با اضافه‌ی احوال و اشعار و آثار مفصل و حواشی و شجره‌نامه‌ها و عکس‌ها از افراد مذکور در این تذکره جبران کرده است. این تذکره در سال ۱۹۵۸م از طرف انجمن ادبی سند به طبع رسیده است.

۸- خلیفه محمود نظامانی: خلیفه محمود نظامانی از عرفا و مشایخ سلسله‌ی قادریه سند و فرزند رییس گهنور خان نظامی بود. او در سال ۱۱۸۹ه.ق در ده «کریوگهنور» چشم به جهان گشود. این ده در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر ماتلی در ناحیه‌ی بدین واقع است. ولادت خلیفه محمود بر اثر دعای میان اسمعیل علیه‌الرحمه اتفاق افتاد. بنابراین اسم وی را نیز یکی از بندگان نیک به نام سید متهن شاه پیشنهاد نمود. حضرت محمود نظامانی پیش میان عبدالکریم کسب علم نمود و از بچگی عاشق عرفا و بزرگان دین بود و با آن‌ها هم‌نشینی داشت.

وی مدتی با فقیر حافظ نمر و صحبت داشت که از پیروان سلسله‌ی نقشبندیه بود. همچنین با فقیر طالب هالیپوتو و میاں خیرالله و فقیر صالح راهو کرو، هم‌نشینی داشت. به جهت صحبت با این عرفا و اهل طریقت خلیفه محمود در سن ۲۴ سالگی با مرشد و پیر طریقت خود به نام حضرت پیر محمد راشدی بیعت کرد و پیرو سلسله‌ی قادریه

گردید. وی تمام عمر خود را صرف تعلیم و تعلم و وعظ و نصیحت نمود و آثار بسیار ارزنده ای از خود به یادگار گذاشت که عبارتند از:

۱- مجمع الفیوضات: این کتاب ملفوظات فارسی حضرت خلیفه محمود نظامانی است که در سال ۱۲۴۸.ق تألیف نموده است.

۲- اوراد المحمودیه (محبوبیه المحمودیه): این کتاب درباره ی سلوک و طریقت می باشد و به زبان فارسی است. میان حامد بن حسن کتاب مذکور را در سال ۱۳۱۲.ق به زبان سندی منظوم ترجمه کرد و آن ترجمه از طرف مطبع فیض سبحان کوتری به چاپ رسید.

۳- گلشن اولیا: این تذکره شرح احوال عرفای متأخر می باشد که در سال ۱۲۵۸.ق به زبان فارسی تألیف شده است. در این اثر علاوه بر شرح احوال بزرگان و عرفای دین اطلاعات دیگری نیز موجود است، مثلاً اوضاع جغرافیایی آن عصر و وقایع تاریخی عهد تالپوران و کلهوران. این تذکره دارای صد صفحه می باشد که نسخه ای از آن در کتابخانه ی مولانا غلام مصطفی قاسمی نگهداری می شود. (خلیفه محمود فقیر، بی تا: ۳۰)

۴- مکاتیب: مجموعه ی نامه های خلیفه محمود نظامانی است که به زبان فارسی نوشته شده و پیرامون وقایع تاریخی و مسائل شرعی می باشد.

۵- ملفوظات: دو کتاب از ملفوظات خلیفه محمود به زبان فارسی موجود است؛ یکی از این ملفوظات به نام «سراج العاشقین» می باشد که توسط خلیفه میان محمد ملوک چاندیو در سال ۱۲۴۴.ق جمع آوری شد و دیگری به نام «کنوزالمعرفت» که آن را خلیفه گل محمد هالایی گردآوری نموده است.

کتاب کنوزالمعرفت را مولوی حافظ نور محمد به زبان سندی ترجمه کرد و آن را «توفیق الطالبین» نامید. این ترجمه در تاریخ ۷ ربیع الاول ۱۳۳۹.ق به دست محمدبن مخدوم محمد ابراهیم نورنگزاد کتابت شد. در حال حاضر متن فارسی این ترجمه در دست نیست و فقط ترجمه ی سندی آن در دست می باشد. (همان: ۳۲)

حضرت خلیفه محمود پس از زندگی پر بار خود در ۱۲ ربیع الاول سال ۱۲۶۷.ق از دنیا رخت بربست. قطعه ی تاریخ وفات این مرد عارف و عالم را دو نفر به زبان فارسی

سروده اند که قطعه ی تاریخ وفات منقول از خلیفه گل محمد هالایی با تاریخ وفات خلیفه محمود مطابقت نمی کند اما قطعه ی تاریخ میان عبدالقوی قاضی هالایی قابل قبول است:

آه از رحلت خلیفه ی حق آن که محمود شد به هر دو سرا
از یدش مظهر یدالله یافت اهتمام خلافت کبری
مر شد وقت هادی دوران نایب نایب رسول خدا
زین جهان رفت چون به مخرج صدق مدخل صدق یافته ماوا
گفت سالش دلم به یاری «رب» شد مقامش مقام محمودا»
(همان: ۳۳)

۹- میر عبدالحسین خان سانگی: میر عبدالحسین خان سانگی از دودمان امیران تالپور بلوچ بود. وی فرزند عباس علی خان ابن امیر محمد نصیر خان شهدادانی است که آخرین تاجدار سند بود و در سال ۱۲۶۷ه.ق/ ۱۸۵۱م در شهر کلکته، استان بنگاله تولد یافت (سانگی، ۱۹۶۷: ۱) در سال ۱۲۵۹ه.ق/ ۱۸۴۳م انگلیسی ها بر سند استیلا یافتند و امیران تالپور را گرفته به هند فرستادند و آن جا در جاهای مختلف محبوس ساختند.

ایام طفولیت میر عبدالحسین خان در زندان انگلیس سپری شد و پدرش نیز همان جا در سال ۱۸۵۷م وفات نمود. وقتی عبدالحسین هشت ساله شد امیران تالپور از قید و بند رها شده به وطن خود برگشتند و عبدالحسین نیز همراه عمویش به نام میرحسین علی خان بن میر نور محمدخان به حیدرآباد سند برگشت.

عبدالحسین تعلیم مقدماتی را در کلکته فرا گرفت و از میرزا حسن علی معروف به میرزا بزرگ متخلص به «وفا» زبان فارسی را یاد گرفت و پس از مراجعت به سند از آخوند احمد مولوی ابوالحسن و سید غلام محمد شاه «گدا» شعر فارسی و سنندی و علوم عقلی و نقلی را فراگرفت. (همان: ب) میر عبدالحسین ذوق شعری داشت و به زبان فارسی، اردو و سنندی شعر می سرود. وی در شعر فارسی و اردو «عبدالحسین»، اما در شعر سنندی «سانگی» تخلص می کرد. از وی ۳ دیوان غزل به زبان سنندی در دست است و غزل ها و

مثنوی هایی به فارسی و اردو نیز دارد. علاوه بر اشعار سندی، رمان هم می نوشت و کتاب لطائف لطیفی، تذکره ی شاه عبداللطیف بهتائی را به زبان فارسی تألیف نمود.

این شاعر و ادیب و سخنور به تاریخ ۸ ذی القعدة ۱۳۴۳هـ/ ۱۲ ژوئن ۱۹۲۴م وفات یافت و در بهت شاه در جوار حضرت شاه عبداللطیف بهتائی مدفون گردید. (همان: ج)

لطائف لطیفی: لطائف لطیفی تذکره ی احوال و آثار شاه عبداللطیف بهتائی و روایات و حکایات منسوب به وی می باشد. میر عبدالحسین به حضرت شاه لطیف ارادت خاصی می ورزید و اشعار وی بردلش نقش می بست. چنان که کتاب لطائف لطیفی را ۱۰ ذی قعدة ۱۳۰۵هـ. ق برابر با ۱۹ ژوئیه ۱۸۸۸م به پایان رسانید. وی در بیان شیوه ی شاعری خود می گوید: چنان رنگین شده شعرم که از پیچیده مضمونش

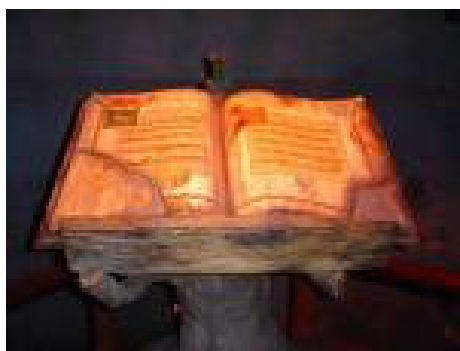
یکایک تارتار از رشک گشته جعد سنبیل ها (همان: ۱۰۸)

این تذکره مبنی است بر جذبه ی صدق و اخلاص، و مؤلف این تذکره اولین کسی است که در جمع آوری احوال و آثار حضرت شاه عبداللطیف بهتائی بدین صورت کوشیده است و نویسندگانی که بعد از مؤلف در این راه قدم نهاده اند حتماً از او خوشه چینی کرده اند.

۱۰- مخدوم الله بخش: مخدوم الله بخش معروف به مخدوم عطا محمد فرزند مخدوم محمد عاقل بود. اسلاف مخدوم الله بخش از خاندان عباسی بودند و نسب شاه به مخدوم عبدالرحمن شهید می رسد. در ناحیه ی گنمبت شهری است به نام «کُهر» که اهالی آن جا را نیز «کُهر» می نامند. (عبدالقادر تتوی، ۱۹۶۷: ۲۲) مخدوم الله بخش از خاندان علمی مخدومان «کُهرایان خیرپور» می باشد. پدر وی مردی فاضل و مسلط به قرآن و حدیث و از پیروان مذهب حنفی بود. در عهد میرعلی مرادخان تالپور ولی او مخدوم عاقل در خیرپور سمت قاضی القضاتی داشت. مخدوم الله بخش هنوز بچه بود که پدرش رحلت نمود و مخدوم الله بخش عربی و فارسی را از مولانا محمد کمال دیروی آموخت. بعد از فارغ التحصیل شدن، نزد پیر محمد صالح شاه سجّاده نشین منشی گری نمود. از دیدن ذکاوت و هوش مندی مخدوم الله بخش وزیر ریاست خیرپور؛ سردار یعقوب او را به کار

دولتی گمارد و مخدوم این پیش کش وزیر را پذیرفت. وی چندین بار امتحان قانون داد و قبول شد و پیشرفت کرده قاضی شد.

وی در زبان عربی، فارسی، انگلیسی و سندی مهارت داشت. اگرچه به علت کار دولتی برای تصنیف و تألیف زیاد وقت نمی‌کرد باز هم چندین جلد کتاب نوشت مانند: تفسیر تسهیل القرآن، رساله درباره علم غیب حضرت پیغمبر، حاشیه ی، رساله درباره ی علم غیب حضرت پیغمبر(ص)، حاشیه ی فارسی بر عیسی غوجی(عبدالرزاق گهانگهرو، ۱۹۹۷: ۱۴۳)، «فوزالاحلاف من فیض الاسلاف» معروف به «تذکره ی مخادیم کهرا»



تذکره ی مخادیم کهرا

این اثر تذکره ی مشایخ و اهل علم و فضل شهر کهرا می باشد. سال تألیف این تذکره ذکر نشده است. به گفته ی خود مؤلف وی برای نوشتن این تذکره از کتاب تاریخ پدر بزرگوار خود به نام «آینه ی جهان نما» استفاده نموده است و این

تذکره را «فوزالاحلاف من فیض الاسلاف» نامید که بعداً با نام تذکره ی مخادیم کهرا معروف گردید. (عاصی، بی تا: ۲۰)

نویسنده علاوه بر احوال مشایخ کهرا ذکر مشاهیر سند، وقایع تاریخی تالپوران خیرپور و حیدرآباد را نیز به این تذکره پیوست کرده است. نیز احوال سادات رانی پور، عرفای شهر درازا و بزرگان دیگر مانند پیر محمد راشد، سچل سرمست، پیر صبغت الله شاه و اوضاع سیاسی و تاریخی سند را نیز ضمیمه این تذکره نموده است. خلاصه می توان گفت که با کوشش مخدوم الله بخش تاریخ منطقه ی کهرا معرفی و شناسانده شده است.

۱۱- مولانا قاضی محمد ابراهیم کاررای: مولانا قاضی محمد ابراهیم فرزند قاضی

خدابخش عالم و فاضل و شاعر و مجتهد عصر خود بود. وی در سال ۱۹۰۱م/ ۱۳۸۱ه.ق نزدیک شهر شهدادپور در دهی به نام کاررا، متولد شد. (گل محمدشاه بخاری، بی تا: ج ۱: ۲۲۴)

قاضی محمد ابراهیم فارسی و عربی را پیش پدر خود فرا گرفت و بعد از آن پیش مولانا عبدالکریم کورایی مشغول تحصیل علم شد. (محمد ابراهیم خلیل کارروی، ۱۹۸۱: ۳) علامه غلام مصطفی قاسمی مؤلف و مصنف معروف سند نیز از شاگردان وی بود. بعد از تحصیل پیش مولانا عبدالکریم، قاضی محمد ابراهیم در روستای خود کار تدریس را آغاز نمود. وی علاوه بر تدریس، طبابت نیز می کرد و مردم را معالجه می نمود. (گل محمدشاه نجاری، بی تا: ۲۲۵-۲۲۴)

وی مجتهد عصر خود هم بود و عالمان دیگر از وی فتوا می گرفتند. از آن جا که قاضی محمد ابراهیم مردی بسیار علم دوست بود؛ بسیاری از کتاب های نادر و نسخه های خطی را جمع آوری نمود که بعد از وفات او توسط بازماندگان وی از آنها نگهداری می شود. قاضی ابراهیم به زبان فارسی، سندی و اردو شعر می سرود و «خلیل» تخلص می کرد. او قطعه های وفیات نواب غیبی خان چاندیو و گل محمد خان زیب مگسی را به زبان فارسی سروده است. (همان: ۲۲۶)

از کارهای عمده ی این مرد دانشمند «تذکره ی علامه عبدالکریم کورایی» به زبان فارسی است که در واقع علاقه و محبت او را نسبت به استادش می رساند. این تذکره درباره ی شرح احوال و آثار و شاگردان علامه عبدالکریم کورایی می باشد. مؤلف در آخر این تذکره قطعه ای در مورد وفات علامه سروده است. این تذکره را مولانا غلام مصطفی قاسمی رییس اسبق آکادمی شاه ولی الله با هزینه ی خودش به چاپ رسانده است. این تذکره در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۱م / ۲ ذی الحجه ۱۴۰۲ه.ق در سکهر منتشر گردید. مولانا قاضی محمد ابراهیم بعد از یک عمر زندگی پر ثمر در ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۷م در سن ۸۷ سالگی از این دنیای فانی به دیار باقی رحلت نمود و در قبرستان خانوادگی دفن شد. (همان: ۲۲۷)

۱۲- خلیفه گل محمد: وی مؤلف تذکره ی «صیح السبطين» می باشد. او این تذکره را در سال ۱۳۱۸ه.ق تألیف نمود. این تذکره درباره ی سادات جیلانی ست. تذکره در دو باب و هفت فصل نوشته شده است. باب اول در بیان نسب شریف حضرت غوث الاعظم و

تعداد اولاد آن حضرت می باشد- این باب چهار فصل دارد- باب دوم در بیان نسب اولاد شاه مبارک عادل پوری است و مشتمل بر سه فصل می باشد. در خاتمه ی کتاب که در بیان احوال حضرت موسی شاه و اولاد آن حضرت می باشد- که صاحبان سجاده بودند- نیز احوال برخی از مشایخ و سادات گیلانی و احوال بزرگانی مانند شاه عبداللطیف، مخدوم سید شرف الدین، محمد صالح و ذکر حضرت جمال محمد آمده است. (سید عبدالقادر تتوی، ۱۹۶۷: ۱۹-۱۸)

۱۳- میر بلوچ خان ابن مکرّم خان تالپور: مؤلف تذکره ی «فردوس العارفین» است. این تذکره در سال ۱۲۰۱ه.ق تألیف شد. تذکره ی فردوس العارفین در ذکر احوال خواجه محمد زمان (۱۱۲۵-۱۱۸۸ه) می باشد. همچنین ذکر عارفان سلسله ی نقشبندیه در این تذکره آمده است. (همان: ۱۰)

۱۴- خواجه محمد سعید مهاجر مکی: خواجه محمد سعید مهاجر مکی پنجمین سجاده نشین درگاه لواری شریف و مؤلف «تذکره ی صقال الضمائر» است. وی این تذکره را در سال ۱۳۰۲ه.ق تألیف نمود. (همان: ۱۳) این تذکره درباره ی پدر مؤلف و چهارمین سجاده نشین درگاه لواری به نام حضرت خواجه محمد حسن مهاجر مدنی است. همچنین خلاصه ی تعلیمات سلسله ی نقشبندیه و ذکر عارفان این سلسله و سجاده نشینان درگاه لواری نیز در این تذکره آمده است. (مهاجر مکی، بی تا: ۷) این تذکره دارای چهار باب است و باب اول شامل بشارت هایی می باشد که درباره ی ولادت خواجه محمد حسن مدنی بوده است. تذکره ی مذکور به دست عبدالرحمن نقاشی و عبدالرشید صابر به زبان سندی ترجمه شده است و آن را «ماتیوتن ملیر» نامیده اند. این ترجمه توسط انجمن لواری شریف به چاپ رسیده است.

۱۵- شیخ فرید بکهری: شیخ فرید فرزند شیخ معروف صدر یا قاضی القضاة بکهر دولتمرد و تاریخ نگار و تذکره نویس و فارسی دان دربار بابران بود. (توسلی، ۲۰۰۷: ۹۴) تاریخ تولد و وفات شیخ فرید ذکر نشده است. شیخ نزد میر ابوالقاسم «نمکین» و ملامصطفی جونپوری عروض و خطاطی و فن کتابت آموخت. (وفایی، ۱۹۸۵، ج ۱: ۹۵) شیخ فرید در

عهد جهانگیر پادشاه با عبدالرحیم خان سنان هم صحبت بود و بعد از وفات وی در دیوان همسر جهانگیر پادشاه به نام «نورالنسا» به خدمت پرداخت و مدتی با وی در اجمیر، آگره و لاهور بود. (همان: ۹۶)

در سال ۱۰۳۷ه.ق وی بازرس مالیات احمدآباد گجرات بود. در زمان خان جهان لودی وی به مشاغلی در حکومت وی رسید و تا برافتادن خان جهان (۱۰۳۹ه.ق) و مرگ وی (۱۰۴۰ه.ق) به او خدمت کرد. (توسلی، ۲۰۰۷: ۹۵) شیخ در منصب های «امین» و واقعه نویسی نیز خدمت کرد. به سبب خدمتش در دربار گورکانیان، با بسیاری از امیران و صاحب منصبان بلند پایه ی تیموریان هند آشنا شد و در سالهای اقامت در دکن به خصوص در ۱۰۵۹ه.ق - ۱۰۶۱ه.ق کتابی مهم و بسیار با ارزش به نام «ذخیره الخوانین» نگاشت. شیخ فرید بکهری به چندین زبان مهارت داشت مانند زبان سندی که زبان مادری اش بود؛ زبان هندی، فارسی، عربی و پشتو. وی طبع شعر داشت و اشعاری از وی به زبان فارسی مانده است. (همان: ۹۶-۹۵)

ذخیره الخوانین: این نخستین تذکره ی فارسی است که دارای شرح حال ۱۸۴ تن از رؤسا و امرای دربار اکبر، جهانگیر و شاهجهان می باشد. همچنین اسامی بسیاری دیگر از خوانین آن دوران در آنجا ذکر شده است. این تذکره دارای سه باب است به این ترتیب: باب اول: در ذکر خوانینی است که در دوران فرمانروایی اکبر می زیسته اند. باب دوم: در تبیین احوال امیران دربار جهانگیر است. باب سوم: در اظهار احوال بلند پایگان دربار شاهجهان است. (فرید بکهری، ۱۹۶۱: ۱۱) اهمیت این تذکره به سبب ذکر وقایع و جنگ های است که شیخ فرید خودش دیده و یا از کسانی که شاهد آن بوده اند شنیده است. وی در نوشتن این تذکره از منابع مختلف تاریخ نیز استفاده کرده مانند «طبقات اکبری» اثر خواجه نظام الدین محمد مهروی. نثر کتاب ذخیره الخوانین بسیار ساده و روان و بدون تصنع و ابهام است. شیخ فرید اصطلاحات و کلمات محلی و هندی و نیز اشعار هندی را در این اثر به کار برده است.

این تذکره به کوشش و تصحیح سید معین الحق و توسط انجمن تاریخ پاکستان در سه مجلد در فاصله ی سال‌های ۱۹۶۱م تا ۱۹۷۴م در کراچی به چاپ رسیده است. (فرید بکھری، ۱۹۶۱: مقدمه)

علاوه بر این تذکره نویسان که زادگاهشان در سند بود، تذکره نویسانی نیز داریم که از جاهای دیگر هجرت نموده، به سند آمدند و تا آخر عمر همان‌جا زندگی کردند. بنابراین آثاری که از آن‌ها به یادگار مانده نیز اثری است که در سند به وجود آمده است و نمی‌شود از آن صرف نظر کرد. از این تذکره نویسان دو تن قابل ذکر می‌باشند:

۱- فخری هروی ۲- خواجه محمد حسن جان سرھندی

۱- فخر هروی: مولانا سلطان محمد متخلص به فخری هروی ابن امیری از اهالی هرات بود که در زمان شاه طهماسب به استان سند عزیمت نمود. حدس می‌توان زد که وی قبل از ۹۵۳ه.ق وارد سند شده باشد. او مورد لطف حاکم آن‌جا به نام عیسی ترخان (۹۲۶-۹۷۳) قرار گرفت. (فخری هروی، ۱۹۶۸: ۲۹-۲۶) فخری از معاصران امیرعلی شیرنوی و از شاعران و نویسندگان قرن دهم هجری بود و چند اثر نایاب از خود به یادگار گذاشته است.

فخری در اواخر قرن دهم هجری درگذشت. وی شاعر و نویسنده‌ی برجسته‌ای بود و در تذکره نویسی نیز مهارت داشت. از آثار او عبارت است از: ۱- هفت کشور (قبل از ۹۲۷ه.ق)، ۲- لطائف نامه (۹۲۸ه.ق) ۳- تحفه الحیب (۹۲۹ه.ق) ۴- صنایع الحُسن، ۵- تذکره‌ی روضه السلاطین (۵۶-۹۵۸ه.ق) ۶- جواهر العجائب (۹۶۲ه.ق).

تذکره‌ی روضه السلاطین: از اسم کتاب مشخص است که این تذکره راجع به پادشاهان است. فخری این تذکره را به نام ابوالفتح شاه حُسن غازی معروف به شاه حسین ارغون حاکم سند و تنه (۹۳۵-۹۶۱ه.ق) تألیف نموده است. در این تذکره مؤلف ذکر پادشاهانی را کرده که شعر سروده‌اند و اشعارشان را نیز به عنوان مثال آورده است. تذکره‌ی روضه السلاطین دارای هفت باب و یک خاتمه می‌باشد بدین قرار:

باب اول: در بیان وجه تسمیه‌ی شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی

باب دوم: در بیان احوال خانان اوزبک و مغول که به نظم التفات کرده اند
باب سوم: در ذکر احوال سلاطین سمرقند و خراسان از اولاد امیر تیمورگورکان که
شعر سروده اند

باب چهارم: در بیان احوال سلاطین عراق و روم که نظم گفته اند
باب پنجم: در ذکر سلاطین و ملوک هندوستان که مایل به سرودن شعراند
باب ششم: در ذکر احوال امرای سلطنت آثار که به نظم میل دارند
باب هفتم: در ذکر جمال حضرت نواب و ختم کتاب
در پایان کتاب قصیده ای در مدح شاه حسین آورده است که مطلعش این است:
دلم سرمست جام عشق و عقل کل زبانداش
نگوید نشنود از او خبر توحید یزدانش
(نقوی، ۱۹۵۷: ۹۶)



جواهر العجائب: اولین تذکره‌ی

زنان شاعر است و در آن ذکر سی و یک
زن شاعر آمده است. فخری این تذکره را
به نام همسر میرزا عیسی ترخان «ماه
بیگم» نوشت. ماهم بیگم همسر شاه
حسن ارغون بود که بعد از وفات شاه
حسن ارغون به ازدواج میرزا عیسی ترخان در آمد.

این تذکره بعد از جلوس اکبر شاه (۹۶۳ ه.ق) تألیف گردید. مؤلف در ذکر اسامی
شاعران، هیچ قاعده‌ی مخصوصی را رعایت ننموده و حتی سال ولادت و وفاتشان را نیز
نیآورده است.

۲- **خواجه محمد حسن جان سرهندی:** خواجه حسن جان مجددی فاروقی فرزند
ارشد خواجه عبدالرحمن بود. وی در تاریخ ۶ شوال المکرم ۱۲۷۸ هـ در شهر قندهار
ولادت یافت (وفا راشدی، بی تا: ۲۱۲) وی در سال ۱۱۹۵ ه.ق از افغانستان هجرت کرده،

به جنوب سند رفت و در قریه ی تکهر، در حیدرآباد سکنی گزید. در سال ۱۳۱۲ ه.ق به علت سیل وی (تکهر) را ترک کرد و در تندوسائینداد اقامت گزید. خواجه محمد حسن درس قرآن و حدیث را از پدر خود فرا گرفت و در سال (۱۲۹۷ ه.ق) همراه پدر و اهل خانه برای حج به مکه رهسپار شد. پدرش با اهل خانه برگشت اما وی تا پنج سال همان جا بود و در مدرسه ی مولانا رحمت الله دهلوی المهاجر المکی علوم اسلامی را آموخت. وی در قرائت و علم تجوید مهارت حاصل کرد و از شیخ المحدثین حضرت شاه عبدالغنی دهلوی و از مفتی شیخ عبدالله سراج سند علم حدیث و فقه را گرفت.

حافظ خواجه محمد حسن سرهندی در سن ۸۷ سالگی در ۲ رجب ۱۳۶۵ ه.ق ۲۱/ ژوئن ۱۹۴۹م وفات یافت. وی را با فاصله ی چند کیلومتر از تندوسائینداد در قبرستانی به نام «کوه گنجه» در کنار آرامگاه پدرش دفن کردند. (وفا راشدی، بی تا: ۲۱۴) حکیم محمد سلیم جان سرهندی قطعه ی وفاتش را چنین سروده است:

روح پاکش چون تمنای وصال حق نمود از حریم قدس، اهل عرش را آمد ندا
باب رحمت وا کنید اهلاً و سهلاً مرحبا «نغفر له» آورید این دوست ما را نزد ما
خواجه محمد حسن جان سرهندی آثار عربی و فارسی بسیاری را از خود به یادگار گذاشته است. وی مسافرت های خود را به صورت سفرنامه یادداشت کرده است. نخستین سفرنامه ی وی به نام «پنج گنج» به زبان فارسی می باشد. این سفرنامه دارای پنج رساله است به این ترتیب: ۱- سفرنامه ی حرمین شریفین، ۲- ادعیه و مناسک حج، ۳- الاحادیث السلسله لیه بالادلیه مع الاجازه من الشیخ ابونصر دمشقی، ۴- شرح چهل کاف و ۵- نصائح دینی و دنیوی.

وی نام استادان و علمایی را که از آنها کسب فیض کرده بود. در این سفرنامه ذکر کرده است. دومین سفرنامه ی وی سفرنامه ی عربستان است که در آن زیارت گاه ها عراق، سوریه و حجاز را معرفی کرده است. این سفرنامه به زبان سندی ترجمه شده است. از آثار فارسی خواجه حسن جان سرهندی می توان این چند اثر را نام برد:

۱- انیس المریدین: این تذکره ای ست درباره‌ی بزرگان سلسله‌ی نقشبندیه و همچنین شرح حال پدرِ خواجه حسن به نام حضرت خواجه عبدالرحمن سرهندی. خواجه حسن تألیف انیس المریدین را در سال ۱۳۱۶ ه.ق آغاز نمود و آن را در سال ۱۳۲۸ ه.ق به پایان رسانید. این کتاب دارای دویست صفحه است و در چاپخانه‌ی مجددی امریتسر به چاپ رسیده است. (همان: ۲۱۶)

کتاب انیس المریدین با سعی و کوشش جناب محمد اسحاق ابن محمد صالح انصاری دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی دولتی نوشهر و فیروز سند به زبان سندی ترجمه شده است.

۲- انساب الانجاب: در این کتاب خواجه حسن سرهندی شجره نسب بزرگان سلسله‌ی مجددیه و شرح احوال و خدمات علمی آن‌ها را ذکر کرده است. این کتاب در سال ۱۳۴۰ ه.ق از طرف «عالم پریس» انتشار یافته است. (زین العابدین شاه راشدی، بی تا: ۷۴۶)

۳- رساله‌ی تهلیلیه: این اثر شرح و تفسیر کلمه‌ی طیبیه است. همچنین راجع به عقاید توحید رسالت و نبوت، نسب‌نامه‌ی حضرت محمد(ص) و شرح زندگی وی و خلفا و صحابه‌ی کرام نیز مطالبی در آن آمده است. این رساله در ۱۳۵۴ ه.ق به اهتمام «رفاه عام پریس» لاهور نشر یافته است.

۴- تذکره الصلحاء فی بیان الاتقیاء: تذکره‌ی اولیا و بزرگان عرب، خراسان، سند و هند است که مؤلف، خواجه حسن سرهندی با آن‌ها ملاقات داشته و از محضر علمی آن‌ها مستفیض شده بود.

۵- رساله در قواعد تجوید: این رساله درباره‌ی فن قرائت و تجوید قرآن می باشد.

۶- شرح حکم شیخ عطاء الله اسکندری: اصل متن به زبان عربی ست که مصنف آن شیخ عطاء الله اسکندری می باشد. موضوع آن علم توحید و ارتباط بین عبد و معبود است. خواجه حسن این کتاب را به فارسی ترجمه کرده است و بر آن شرح نیز نوشته است. وی این شرح را در سال ۱۳۲۴ ه.ق به پایان رسانید و اکنون به چاپ رسیده است. (همان: ۷۴۹)

۷- **عجائب المقدورات:** درباره‌ی مشاهدات مؤلف است.

۸- **بیان اوقاف:** در شرح لفظ وقف و بیان کلمه‌ی اوقاف از دیدگاه اسلامی است.

نتیجه

از بیان مطالب مذکور به چند نتیجه‌ی ویژه می‌رسیم به این ترتیب:

- ۱- تذکره‌های فارسی که در سرزمین سند نوشته شده مبین این نکته است که شمع شعر و ادب فارسی در این منطقه همواره روشن بود چنان که تذکره‌ی مقالات الشعرا و تذکره‌ی تکمله‌ی مقالات الشعرا بزرگ‌ترین تذکره‌های شعرای فارسی گوی سند می‌باشند.
- ۲- تذکره نویسان و تذکره خوانان به زبان فارسی علاقه مند بودند. بنابراین بسیاری از تذکره نویسان آثارشان را به زبان فارسی نوشتند و نه تنها علما و فضلا بلکه عوام الناس نیز از آثارشان بهره می‌بردند که این خود دلیلی بر ترویج زبان فارسی می‌باشد.
- ۳- تذکره‌های عارفان و صوفیان سند در واقع ترجمان حقیقت حال و قال عرفا و صوفیان اهل علم و دانش می‌باشد که در گسترش دین و مذهب و احیا و ترویج زبان فارسی کوشا بوده‌اند.
- ۴- تذکره نویسی ما را از وقایع تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی، مذهبی، سیاسی، تمدنی، فرهنگی، محیط علمی و ادبی، خلیقات، رسوم، آیین‌ها و فرهنگ مناطق مختلف و اشخاص آگاه می‌سازد.
- ۵- شجره‌نسب و سلسله‌ی برخی خاندان‌های معروف سند مانند سادات رضوی، سادات بکهر و خاندان‌های شهر تته و غیره از این تذکره‌ها استخراج می‌شود.
- ۶- شرح احوال و آثار مشایخ و شعرا که در منابع دیگر ذکر نشده گاهی در این تذکره‌ها به چشم می‌خورد و این یکی از نکات مهم و مفید تذکره نویسی سند می‌باشد.

منابع

- ۱- امیری هروی، محمد فخر (۱۹۶۸ م) **تذکره‌ی روضه السلاطین و جواهر العجائب**، به تصحیح سید حسام الدین راشدی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند.
- ۲- بخاری، سید گل محمد شاه (بی تا) **شهاداد کوت جا قلمکار ائین شاعر**، ج ۱، سند: شهاداد کوت علمی ادبی تنظیم.
- ۳- بکھری، شیخ فرید (۱۹۶۱ م) **ذخیره الخوانین**، به کوشش و تصحیح سید معین الحق، کراچی: انجمن تاریخ پاکستان
- ۴- پهنور، حاجی (بی تا) **دلیل الذاکرین مع رساله کوئن فخریہ** (خطی)، کتابخانہ‌ی قاسمیہ کنڈیارو
- ۵- تتوی، سید عبدالقادر بن سید ہاشم (۱۹۶۷ م) **تذکرہ‌ی حدیقہ الاولی**، به تصحیح سید حسام الدین راشدی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند،
- ۶- تتوی، میرعلی شیر قانع (۲۰۰۱ م) **معیار سالکان طریقت**، به تصحیح و مقدمہ‌ی دکتر سید خضر نوشاہی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- ۷- ----- (۱۹۷۱ م) **تحفہ الکرام**، تصحیح و تحشیہ سید حسام الدین راشدی، انجمن ادبی سندی، حیدرآباد سند، اکتوبر
- ۸- ----- (۱۹۵۷) **تذکرہ‌ی مقالات الشعرا**، با مقدمہ و تصحیح سید حسام الدین راشدی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند.
- ۹- ----- (۱۹۸۱ م) **تذکرہ‌ی طومار سلاسل گزیدہ**، (خطی) کتابخانہ‌ی قاسمیہ کنڈیارو
- ۱۰- تتوی، ملا محمد صالح (بی تا) **تذکرہ‌ی معارف الانوار فی فضائل سید الابرار** (خطی) کتابخانہ‌ی قاسمیہ کنڈیارو.
- ۱۱- تتوی، مخدوم محمد ابراہیم خلیل (۱۹۵۸ م) **تذکرہ‌ی تکملہ‌ی مقالات الشعرا**، به تصحیح و حواشی سید حسام الدین راشدی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند

- ۱۲- تتوی، شیخ محمد اعظم (بی تا) **تحفه الطاهرین**، به تصحیح و تحشیه درانی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند.
- ۱۳- توسلی، محمد مهدی (۲۰۰۶م) **مجموعه‌ی مقالات سمینار زبان و ادبیات فارسی در سند**، کراچی: خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و بخش فارسی دانشگاه کراچی.
- ۱۴- سانگی، میر عبدالحسین خان (۱۹۶۷م)، **لطائف لطیفی**، به سعی دکتر نبی بخش خان بلوچ، حیدرآباد: انجمن مرکز ثقافت شاه عبداللطیف بهت شاه
- ۱۵- عبدالواسع، محمدرضا (۲۰۰۲م) **بیان العارفین و تنبیه الغافلین**، به اهتمام دکتر عبدالغفار سومرو، حیدرآباد سند
- ۱۶- عاصی، مخدوم الله بخش (بی تا) **تذکره‌ی مخادیم کھرا**، ترجمه مخدوم غلام احمد بن مخدوم امیراحمد، خیرپور: دانشگاه شاه عبداللطیف
- ۱۷- گھانگھرو، عبدالرزاق (۱۹۹۷م) **قرآن مجید جا سندھی ترجمہ ائین تفسیر**، اکادمی مھراں شکارپور
- ۱۸- مهاجر مکی، خواجہ محمد سعید (بی تا) **ماہیوتن ملیر** (ترجمہ‌ی صقال الظمائر بہ سندی)، مترجمان از سندی عبدالرحمن نقاشی، عبدالرشید صابر، لواری شریف ادبی کمیتی
- ۱۹- نقوی، دکتر سید علی رضا (۱۳۴۳ش) **تذکرہ نویسی فارسی در ہند و پاکستان**، تھران: مؤسسہ مطبوعاتی علمی
- ۲۰- وفایی، مولانا دین محمد (۱۹۸۵م) **تذکرہ‌ی مشاہیر سند** ج ۱ و ۳ مقدمہ و حواشی سید حسام الدین راشدی، حیدرآباد: انجمن ادبی سند

21- Dr.H.I.Sadaaugam (1987) **Persian Poets of Sind Hyderabad: Jamshoro, Sindhi Adabi board**